اصلاحات و اصلاح طلبی انقلابی و آمریکایی
« از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله)»

اجرای حدود الهی، راه اصلاح جامعه

۱۳- با یأس نمی‌توان هیچ حرکت اصلاحی انجام داد

مجموعهٔ بزرگی از نخبگان که سررشتهٔ کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملتهای خود سرریز می‌کنند و آنها را از این‌که بتوان نقشهٔ ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسانهای مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسانها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دلها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آیندهٔ حتمی ظهور مهدی موعود علیه‌السّلام هستیم، این یأسی که گریبانگیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوییم نخیر، می‌شود نقشهٔ سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشهٔ ظالمانه و شیطانیِ امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه بطور مسلّم ننوشته است.[۱۵۰]

۱۴- اصلاح به دور از غیبت و بدگویی

خوب، دوربین هم همین‌جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطایی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جایی نشان داد؛ این هم همان است دیگر، چه فرقی می‌کند؟ یعنی بایستی واقعاً به اینها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی کرد. ما اگر بخواهیم جامعه را اصلاح بکنیم، این اصلاح فقط به این نیست که انسان از افراد غیبت بکند، راههای دیگری هم وجود دارد. حالا من غیبت را عرض می‌کنم. فضلاً از تهمت و افترا و اینها.[۱۵۱]

۱۵- اصل امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح فرد و جامعه

کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظّف است که خودش را اصلاح کند، موظّف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل «امر به معروف و نهی از منکر» برای همین است که جامعه را اصلاح کند.[۱۵۲]

۱۶- اجرای حدود الهی، راه اصلاح جامعه

حدود، حدودِ الهی است. ما نصّ قرآن و متن آن را بر فرآورده‌های ذهن قاصرِ حقوقدانان غربی که برای خودشان معارفی را خلق و اختراع کردند و آن را پیشرفته‌تر از معارف ادیان الهی می‌دانند، مقدّم می‌شماریم. حدودِ الهی مقدّم است. راه اصلاح جامعه، اجرای حدود الهی است. ممکن است ما در این مورد کوتاهی‌هایی داشته باشیم، اما حرکتمان قطعاً به سمت اجرای کامل حدود پروردگار است. حدود، حدود قرآنی است. این هم نکتهٔ دوم.[۱۵۳]

۱۷- آرامش مسئولان، مایهٔ اصلاح مملکت

کسانی که در یک مقامی هستند، چه مقامهای پایین و چه مقامهای بالا، اگر بخواهند مملکت اصلاح بشود، اگر بخواهند این کشور آرامش پیدا بکند، آنها باید آرامش را از بالا شروع کنند؛ از پایین آرامش نمی‌شود حاصل بشود. باید اشخاصی که زمامدار امور هستند، هر نحو زمامداری، باید از آن‌جا آرامش را شروع کنند. آرامش آنها کشور را به آرامش می‌کشد و اگر خدای نخواسته طغیان کنند، طغیان آنها کشور را به هلاکت می‌کشاند. آنهایی که برای این کشور دلسوزند، آنهایی که برای اسلام دلسوزند، آنهایی که اسلام را نجات دهندهٔ همهٔ بشر می‌دانند، باید به تعلیمات اسلام، لااقل به یکی از تعلیمات اسلام توجه کنند و آن این‌که إِنَّ الْاَنسَانَ لَيَطْغَى، أَن رَآهُ اسْتَغْنَى. آنهایی که بعثت را یک بعثت الهی می‌دانند و انگیزهٔ بعثت را هدایت همه خلق می‌دانند، باید به غایت بعثت توجه کنند، به انگیزهٔ بعثت توجه کنند که خود خدا انگیزهٔ بعثت را فرموده است، فرموده است: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ». تزکیه برای این است که نور هدایت در انسان واقع بشود. تا تزکیه نشدید، طغیان برای شما حاصل خواهد شد. تا تزکیه نشده‌اید، علم برای شما خطرناک است، خطرناک‌تر از هر چیزی. تا تزکیه نشده‌اید، مقام برای شما خطرناک است و شما را به هلاکت دنیایی و اُخروی می‌کشاند.[۱۵۴]

آرامش، لازمهٔ اصلاح

این عمال خارجی- مهلت نمی‌دهند؛ اینها نمی‌گذارند که یک مهلتی پیدا بشود و اشخاص متفکر کارها را انجام بدهند. اینها با صورت مختلف، با تبلیغات سوء مانع هستند از این‌که آرامش پیدا بشود و تا آرامش پیدا نشود هیچ اصلاحی امکان ندارد؛ تا آرامش پیدا نشود کارخانه‌های ما به راه نمی‌افتد؛ تا آرامش پیدا نشود کشاورزی ما اصلاح نمی شود؛ تا آرامش نشود فرهنگ ما اصلاح نمی‌شود؛ تا آرامش نباشد روحانی ما اصلاح نمی‌شود. این مسائل را الآن طرح کردن جز این‌که یک تفرقه‌ای بیندازید چیزی نیست. مسئله اصلی را جلو بیندازید.

جوانان! عزیزان من! بانوان! آقایان! همه متوجه باشید دستها در کار است، توطئه‌ها در کار است؛ از خارج الهام می‌گیرند که نگذارند این مملکت آرامش پیدا بکند، نگذارند اصلاحات حاصل بشود. شما ملاحظه می‌کنید که خانه سازی برای کشاورزان و برای کارگران یک کار خلاف ملی است؟ همین را هم دارند مخالفت می‌کنند! همین خانه سازی [را] هم دارند مخالفت می‌کنند. آیا رفراندم یک امری بود که غیر ملی بود؟ مربوط به خارجیها بود؟ دولتی دخالت در آن داشت؟ دست قدرتی در آن دخالت داشت؟ چرا نمی‌گذاشتند رفراندم تحقق پیدا کند؟ چرا تحریم کردند رفراندم را؟ چرا صندوقها را در بعضی جاها آتش زدند؟ برای این‌که نمی‌خواهند یک مملکت آرام باشد، نمی‌خواهند ملت به حال خودش، سرنوشت خودش را در دست بگیرد. اگر ملت سرنوشت خودش را در دست بگیرد، نمی‌گذارد که امریکا همه چیز او را ببرد؛ و شوروی از آن طرف، امریکا از آن طرف، انگلستان از آن طرف. نمی‌گذارند همهٔ نیروهای جوانی ما به هدر برود، و آنها نمی‌خواهند این را.[۱۵۵]

تشنّج، مانع اصلاح و اصلاحات

وظیفهٔ ما ایرانیها و همهٔ مسلمانها و همهٔ کسانی که علاقه به اسلام، علاقه به کشور اسلامی دارند، این است که اوّلاً به بهانه‌های مختلف، با ناراحتیهای شخصی و صنفی ایجاد تشنّج نکنند. امروز روزی است که اگر ایران آرامش نباشد، هیچ کار اصلاحی را نمی‌شود انجام داد. اصلاحات تابع این است که یک محیطی باشد که بشود در آن محیط کار کرد. اگر فرض کنید محیط دانشگاه، یک محیط متشنّج باشد، دانشگاهی نمی‌تواند در آن‌جا کار خودش را انجام بدهد. اگر در کارخانه‌ها تشنّجی باشد، آنها هم نمی‌توانند کار کنند. آنها که می‌خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند در این کشور، و کشور مستقل و آزاد نباشد، تشنّج ایجاد می‌کنند. در هر جا به یک صورتی؛ به اسم اسلام، کارهای غیراسلامی می‌کنند. به اسم خدمت به مستضعفین کارهای برخلاف می‌کنند. موجب تشنّج می‌شوند. موجب تحصّن می‌شوند. این اسباب این می‌شود که کسانی که خیّر هستند نتوانند خدمت بکنند.

باید از این چیزها خودداری بشود. هر روز تحصّن نشود. هر روز راهپیمایی نشود. از این‌طور امور جلوگیری بشود تا مملکت آرام بشود و بتواند دولت یک کاری انجام بدهد.[۱۵۶]

۱۸- اصلاح‌کننده باید پاک و برخوردار از صلاح باشد

کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوّهٔ قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دربیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند، باید خود برخوردار از صلاح باشند.[۱۵۷]

۱۹- امام، اصلاح‌طلب واقعی

اوّل انقلاب به برکت فریاد اصلاح‌طلبِ امام و حرکت اصلاحی انقلاب، دلها و قشرها به هم نزدیک شدند. سالهاست آن شکافهایی که قبل از انقلاب بین قشرها وجود داشت، دیگر وجود ندارد. بین روحانی و دانشجو، بین نظامی و غیرنظامی، بین روشنفکر و مجموعهٔ کاسب و تاجر، شکافهای سنّتی‌ای وجود داشت که سالها روی آن کار شده بود؛ اما این شکافها بعد از انقلاب ترمیم گردید، از بین رفت و یا کم شد. امروز بار دیگر می‌خواهند این شکافها را به وجود آورند؛ همچنان که شکافهای مذهبی را زیاد می‌کنند و گروههای مذهبی را وادار به تظاهر به دشمنی با یکدیگر می‌نمایند، برای این‌که شکاف ایجاد شود. شکافهایی که بین بدنهٔ یکپارچهٔ مردم به وجود می‌آید، راه را برای دشمن باز می‌کند و دشمن با این اختلافها می‌تواند در داخل یک جامعه و یک کشور نفوذ کند و سیاستهای خود را دنبال نماید. همه باید خیلی مراقب باشند.[۱۵۸]

۲۰- وحدت انسانهای خیرخواه، عامل اصلاح دنیا

اما در مورد دشمنان و مسائل خارجی، مطلبی را برای شما مردم عزیز، بطور کوتاه بیان می‌کنم. در زمینهٔ مسائل جهانی، جمهوری اسلامی به همکاری بین‌المللی معتقد است. ما معتقدیم در دنیا هم اگر میان انسانهای خیرخواه وحدتی وجود داشته باشد، کار دنیا اصلاح خواهد شد. منتها این کار در دنیا، خیلی مشکل است، لذا ما در عرصهٔ بین‌الملل دو نوع کار داریم. یک کارِ اصلی، که عبارت است از همکاریهای بین‌المللی- همکاری با ملتها، با دولتها و تلاشهای مشترک- و یک کار اضطراری، که همان مبارزه است.[۱۵۹]

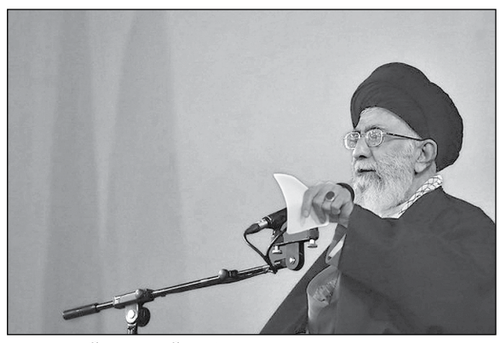

• حدود، حدودِ الهی است. ما نصّ قرآن و متن آن را بر فرآورده‌های ذهنِ قاصرِ حقوقدانانِ غربی که برای خودشان معارفی را خلق و اختراعَ کردند و آن را پیشرفته‌تر از معارف ادیان الهی می‌دانند، مقدّم می‌شماریم. حدودِ الهی مقدّم است. راه اصلاح جامعه، اجرای حدود الهی است. ممکن است ما در این مورد کوتاهی‌هایی داشته باشیم، اما حرکتمان قطعاً به سمت اجرای کامل حدود پروردگار است. حدود، حدودِ قرآنی است. این هم نکتهٔ دوم.

پانوشتها:

۱۵۰ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمهٔ شعبان در مصلّای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

۱۵۱ - بیانات مقام معظّم رهبری در درس خارج فقه دربارهٔ حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید، ۱۳۸۹/۱۰/۷.

۱۵۲ - صحیفهٔ امام، ج ۱۰، ص ۲۶۸.

۱۵۳ - بیانات مقام معظّم رهبری در مراسم «پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره)»، ص ۴۷، به تاریخ ۱۳۷۳/۰۳/۱۴.

۱۵۴ - صحیفهٔ امام، ج ۱۴، صص ۳۹۲- ۳۹۳.

۱۵۵ - صحیفهٔ امام، ج ۷، ص ۸۲.

۱۵۶ - صحیفهٔ امام، ج ۱۲، ص ۹.

۱۵۷ - مقام معظّم رهبری، فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا، ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۱۵۸ - بیانات مقام معظّم رهبری در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۸۱/۰۹/۰۱.

۱۵۹ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت رضا(ع)، ۱۳۷۵/۰۱/۰۴.

آمریکا با واسطه عربستان صدام را تجهیز می کند !

هنگامی که افسران فورت براگ ـ نیروی ویژه‌ای که در ایالت کارولینای شمالی مستقر بودند ـ به‌طور مخفیانه سرگرم فرستادن تجهیزات جنگی به عراق بودند، دولت ریگان به افکار عمومی طوری وانمود می‌کرد که در جنگ ایران و عراق، موضع بی‌طرفی اتخاذ نموده است .[۱]

کمک‌های همه جانبه تسلیحاتی آمریکا به عراق در حالی صورت می‌پذیرفت که آمریکا جهت جلوگیری از پیروزی ایران در جبهه‌ها، عملیاتی موسوم به " استانچ " را طراحی کرد. عملیات استانچ عملیاتی بود که آمریکایی‌ها طرح ریزی کردند تا از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی جلوگیری کنند. این عملیات از پاییز ۱۳۶۲ شروع شد به این ترتیب که آمریکا با جمع آوری اطلاعات در مورد خریدهای سلاح و وسائل نظامی ایران، از طریق دولت یا واسطه‌ها و بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند و یا بعضاً اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می‌کردند. این اقدام آمریکایی‌ها باعث می‌شد که هم مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی شود و هم سلاح با قیمت بالاتر خریداری می‌شد. ضمن اینکه برخی از این وسائل

هم از رده خارج و فاقد کیفیت لازم بودند .[۲]

پس از شکست مفتضحانه دولت آمریکا در ماجرای مک فارلین و برباد رفتن حیثیت سیاسی دولت ریگان، رئیس جمهور آمریکا تصمیم گرفت که به عنوان عکس العمل، آخرین موانع بر سر راه ورود تکنولوژی آمریکایی برای پروژه‌های تسلیحاتی عراق را از میان بردارد. لذا از آن پس دیگر هیچ ممنوعیتی در این راه وجود نداشت .[۳]

دولت ریگان از نخستین ماه‌های سال ۱۹۸۵، درهای فروش تکنولوژی بسیار پیشرفته آمریکایی را به روی عراقی‌ها کاملاً باز کرد و حتی صدور تکنولوژی و کالاهایی که فروش آنها به شوروی و بلوک شرق ممنوع شده بود، برای عراق ممنوعیتی نداشت .[۴]

در تاریخ چهارم ماه اوت ۱۹۸۶ (۱۳ مرداد ۱۳۶۵) که جورج بوش و حسنی مبارک با هم ملاقات داشتند، شاهزاده بندر بن سلطان سفیر عربستان در آمریکا، اعترافی عجیب کرد. او در وزارت خارجه آمریکا تصدیق کرد که عربستان صدها بمب ام. کی. ۸۴ ساخت آمریکا را به عراق فرستاده است. این بمب‌های ۲ هزار پوندی به بمب‌های صامت معروفند زیرا در هدایت آنها از هیچ نوع وسیله الکترونیکی خاصی استفاده نشده است. این بمب‌ها سلاحی بسیار کشنده بوده و عراق در سال ۱۳۶۵ از آنها علیه نظامیان ایرانی استفاده کرد .[۵]

هم زمان با تحریم اقتصادی و نظامی ایران، دولت آمریکا در تاریخ سوم آبان ۱۳۶۶، قطعات رایانه‌ای پیشرفته که عراق را قادر می‌ساخت برد موشک‌های اسکاد ـ بی‌را افزایش دهد، در اختیار این کشور قرار داد .[۶]

بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ (۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷)، از شعبه بانک لاوارو در آتلانتا، اعتباراتی برای انتقال تجهیزات ردیابی و شناسایی ماهواره‌ای و هزاران جهت یاب برای موشک‌های سایدویندر، از پایگاه‌های نیروی هوایی آمریکا به ایتالیا، تقاضا و پرداخت شد. موشک سایدویندر متداول‌ترین نوع موشک هوا به هوا در زرادخانه ناتو بود. این موشک توسط انواع هلی کوپترها و هواپیماهای جنگی استفاده می‌شد و از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها بهره مند بود. وزارت دفاع ایتالیا به سفارت ایتالیا در واشنگتن دستور داد برای تأمین هزینه محموله‌های مربوط به موشک‌های سایدویندر، از شعبه بانک لاوارو در آتلانتا استفاده کند. این موشک‌ها قرار بود از ایتالیا به عراق منتقل شوند .[۷]

یکی دیگر از اقدامات آمریکا، کمک به رژیم صدام جهت ساختن

*** شاهزاده بندر بن سلطان سفیر عربستان در آمریکا اوت ۱۹۸۴ اعترافی عجیب کرد. او تصدیق کرد که عربستان صدها بمب ام. کی. ۸۴ ساخت آمریکا را به عراق فرستاده است. این بمب‌های ۲ هزار پوندی به بمب‌های صامت معروفند زیرا در هدایت آنها از هیچ نوع وسیله الکترونیکی خاصی استفاده نشده است. این بمب‌ها سلاحی بسیار کشنده بوده و عراق در سال ۱۳۶۵ از آنها علیه نظامیان ایرانی استفاده کرد .**

***

*** یکی دیگر از اقدامات آمریکا، کمک به رژیم صدام جهت ساختن بمب‌های خوشه‌ای بود. به گزارش روزنامه تایمز مالی چاپ لندن، کمپانی آمریکایی "اینترنشنال سیگنال کنترل" در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب‌های خوشه‌ای به عراق، دست داشته است .**

***

بمب‌های خوشه‌ای بود. به گزارش روزنامه تایمز مالی چاپ لندن، کمپانی آمریکایی "اینترنشنال سیگنال کنترل" در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب‌های خوشه‌ای به عراق، دست داشته است .[۸]

کارخانه‌های تولیدکننده بمب‌های خوشه‌ای که کارلوس کاردون ـ دلال اسلحه اهل شیلی ـ در اختیار عراق قرار داده بود، با اطلاع سازمان سیا و مساعدت‌های آن وارد عراق شده بود .[۹]

به گفته آلن فریدمن، یک شرکت شیلیایی که اجزای بمب‌های خوشه‌ای را به عراق تحویل می‌داد، طرح‌های اولیه تولید این بمب‌ها را بطور مستقیم از سازمان سیا گرفته بود و سازمان سیا با صادر کردن مجوز برای کاربران نهایی پوششی، چاشنی‌های بمب‌ها را به شرکت شیلیایی تحویل داده تا از طریق کشور اردن به عراق فرستاده شوند .[۱۰]

هوارد تیچر از مقامات سابق شورای امنیت ملی آمریکا، در این باره می‌گوید:

« به خاطر دارم که در سال ۱۹۸۴ تلگرامی را در شورای امنیت ملی دیدم که در آن نگرانی‌های وزارت دفاع از ارسال تکنولوژی تولید بمب خوشه‌ای برای عراق مورد بحث قرار گرفته بود. من تمام وقت با افراد درباره این مسئله بحث می‌کردم، اما ویلیام کیسی ـ رئیس سیا ـ می‌خواست این جریان ادامه یابد و مرتب می‌گفت که عراقی‌ها نیروی انسانی کم دارند. »[۱۱]

منابع در دفتر روزنامه موجود است

۱۵۹
نیمهٔ پنهان
ردپای ۶۰ سال خیانت و جنایت
۲۷۶۳
تالیف: کامران غضنفری

روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات
و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

تقلب چگونه به اسم رمز آشوب تبدیل شد ؟!

اظهارات متهمین
محمدعلی ابطحی و محمد عطریانفر
در جلسه اول دادگاه

اظهارات متهم محمدعلی ابطحی

سلام علیکم، واقع مسئله این است که دیروز من در این‌جا یک سری صحبت‌هایی داشتم و گفت‌وگوهایی هم در صحبت‌های جناب آقای معاون دادستان مطرح شد که آنها ارائه صحبت‌هایی بود که درست است که با لحن اینکه گویا متهمی چنین حرف‌هایی را زده، مطرح کردند اما تقریبا همه صحبت‌هایی بود که من قبول داشتم و مطرح کرده بودم از موضع اینکه این صحبت‌ها، صحبت‌هایی که به عنوان اتهام علیه من باشد، نبود. یکی دو نفر از دوستان، صبح امروز مطرح شد که اگر دیدگاه‌هایی را دارند که دیدگاه‌ها، دیدگاه‌های عمومی است که راجع به انتخابات که این‌جا می‌توانند بیایند مطرح کنند و دیدگاه‌هایشان را ارائه کنند. [اسم] من هم جزو آن مجموعه از دوستان پیشنهاد شد که من پذیرفتم که در این‌جا دیدگاه‌هایی را در مورد اصل مسئله انتخابات ارائه بدهم و مسائلی را مطرح کنم که امیدوارم که در یک فرصت کوتاه فقط با اشاره به تیترها و عناوینش من بتوانم اینها را در این جا ارائه کنم و من صحبت‌هایم را از این جا شروع می‌کنم که انتخابات واقعا یک انتخابات فوق‌العاده‌ای بود. ۴۰ میلیون رای مسئله‌ای نبود که به راحتی بتوان از کنارش گذشت. اتفاق بسیار بزرگی بود. برای تاریخ ایران افتخار بزرگی بود. من شخصا خودم شاید جزو معدود خسانی بودم که در جبهه اصلاحات بودم و از نام‌آورانش، شاید تا حدودی بودم ولی با انتخاب آقای موسوی موافق نبودم و از ابتدا در کمپ آقای موسوی فعالیت نمی‌کردم و سال ۱۳۸۴ هم که ایشان از طرف مجمع روحانیون مبارز کاندیدا شدند برای انتخابات، تنها کسی که مخالفت کرد من بودم به دلیل اینکه احساس می‌کردم فرصت زمانی‌ای که جناب مهندس موسوی در سیستم حکومتی تشریف نداشتند این می‌تواند توهمات زیادی را برای آقای موسوی ایجاد کند و آن توهمات می‌تواند آسیب‌ها و مشکلات را برای کشور ایجاد کند که به همین دلیل من در همین انتخابات هم جزو طرفداران آقای موسوی نبودم اما احساس می‌کنم که چند مطلب قابل طرح است که در این جلسه عنوان بکنم، اشاره‌وار ارائه می‌کنم. بخش عمده‌ای از صحبت‌های جناب آقای معاون دادستان را که از ابتدا تا انتها من می‌شنیدم، خوب بحث‌های قابل توجهی بود که مورد قبول بود و شاید بخش‌های زیادی از این چیزی را که من می‌خواستم بگویم در صحبت‌هایشان ارائه فرمودند.

ولی باز هم در عین حال من به آن تیترهایی که تنظیم کردم در همین فرصت کوتاهی که قبل از جلسه به من داده شد در همین فرصت کوتاه بحث‌هایی را مطرح کردند که این‌جا ارائه بکنم.

این انتخابات نه تنها یک انتخابات بلکه به نوعی شاید محدود کردن رهبری باشد

این نوبت انتخابات (خرداد ۱۳۸۸) معتقدم انتخابات خیلی متفاوتی بود. خیلی پرسابقه شد، یعنی انتخاباتی بود که شاید دو سه سال برایش داشت کار می‌شد و کمتر انتخاباتی این طوری بود که دو سه سال برایش کار شده باشد. جریان اصطلاح‌طلبان اعتقادجدی داشتند که اگر در این انتخابات بتوانند پیروز بشوند، می‌توانند بعد از سه تا انتخاباتی که اصولگرایان (که پیروز آن) بودند شاید به - نوعی طرح اینکه حمایت رهبری هم در پشت این فضاها وجود داشته باشد یک نوعی انتخاباتی باشد، که این انتخابات نه تنها یک انتخابات باشد بلکه به - نوعی شاید محدود کردن رهبری و فضای دیدگاه‌های به اصطلاح اعتقادی که جامعه نسبت به رهبری دارد، اینها را مهار کردن باشد که من می‌توانم به آن اعتراف بکنم که در خیلی از جاها چنین چیزهایی وجود داشت.

پشتوانه خارجی در این انتخابات، به معنای منفی کلمه نمی‌گویم، یعنی در حقیقت رفت و آمدها و دیدگاه‌ها بسیار مهم بود. بخش عمده‌ای از سفرهای جناب آقای خاتمی در دنیا با عنوان سفرهای تبلیغاتی ارائه می شد و تلقی می‌شد که این سفرها بازتاب‌هایش برگردد در داخل و به عنوان کاندیدایی که این کاندیدا در انتخابات آینده به عنوان تنها کاندیدایی که شانس [پیروز شدن داشته باشد برای] اصلاح‌طلبان مطرح بشود، یا حتی حضور بعضی از شخصیت‌های بین‌المللی در داخل ایران، این هم می‌توانست تعیین کننده باشد، و از این جهت [مطلب مهمی بود] رسانه‌ای شدن و سرعت بخشیدن به رسانه.

من این‌جا چون آدم رسانه‌ای هستم دوست دارم به این نکته اشاره کنم که مسئله رسانه الان کاملا متفاوت شده، شاید معاون محترم دادستان به بخش‌هایی از آن اشاره کردند. شاید در ذهن همه ما این باشد که رسانه یعنی یک شبکه‌ای مثل BBC که مثلا چند ماه قبل از انتخابات ایران سازماندهی می‌شود برای انتخابات ایران اما آنها هست ولی یک رسانه‌های بسیار فراگیرتری وجود دارد به نام رسانه‌های مجازی که آن رسانه‌های مجازی سرعت بسیار بالاتری را دارد و مخاطب‌های بسیار بیشتری دارد. آنها همه در این انتخابات از قبل فعال شده بودندو فعالیت بسیار گسترده‌ای داشتند.

تقلب از یک زمانی اسم رمز شورش در ایران شد

اصلی‌ترین اتفاقی که در این انتخابات افتاد که در طول انتخابات هم در زمان برگزاری‌اش و هم‌قبل از انتخابات و هم بعد از انتخابات معنای ویژه‌ای پیدا کرد مسئله تقلب بود. من تقلب را دیروز در بین جمع دوستانی که همین جا بودند با آنها صحبت می‌کردم، با این عنوان شاید طنزآلود مطرح کردم، گفتم که تقلب از یک زمانی اسم رمز شورش در ایران شد. یعنی به جای اینکه تقلب به عنوان یک نگاه کاملا فنی در انتخابات باشد تبدیل شد به اسم شورشی که در آن سازمان‌دهی آرا وجود داشت، در آن فعال شدن نیروها وجود داشت، لشکرسازی برای تقلب وجود داشت در حالی که تقلب لشکرسازی احتیاج نداشت. تمرین پهن شدن مردم در خیابان‌ها برای اولین بار در ایران شکل گرفت. من سال ۷۶ یادم هست همراه جناب آقای خاتمی از به قول خودمان شاه عبدالعظیم[شهرری] راه افتادیم آمدیم تا خیابان پاسداران ۲ یا ۳ جا جمعیتی در خیابان‌ها متوقف بودند در حالی که این تمرین نگهداری گسترده مردم در خیابان‌ها، اینها از نکات قابل توجهی بود که در چارچوب تقلب خیلی می‌تواند معنا پیدا بکند. ابزار اطلاع‌رسانی بسیار فعال و منظمی که می‌توانست جابه‌جا بکند. خوب، البته بخشی از این موضوع برمی‌گشت به شرایط فنی جامعه که SMS (پیامک)، اینترنت، فیس‌بوک FACE BOOK و ارتباطات دیگر همه اینها می‌توانستند کمک بکنند و شاید این آنچه را جناب آقای معاون دادستان به عنوان انقلاب رنگی مطرح کردند یا انقلاب مخملی مطرح کردند، رنگ مخملی هم به لباسشون هست، این انقلاب رنگی مطرح کردند، من فکر می‌کنم ظرفیتش وجود داشت. من نمی‌دانم واقعاً هدفش وجود داشت یا نیتش وجود داشت یا نه، اما ظرفیت این کار در این اتفاق وجود داشت. این ظرفیت اگر در یک کشور یک کمی ضعیف‌تر از ایران بود واقعاً می‌توانست عمل بکند. شکل ارتباطی که اینها همه با هم پیدا کرده بودند، رنگ سبز شاید به صورت طبیعی یک ارتباط عادی باشد اما بیشتر تبدیل شد به یک رسانه، رسانه‌ای که می‌توانست جاهای مختلف را به همدیگر ارتباط بدهد با هم دیگر شکل بدهد و این به معنای یک اتفاقی که من اگر از آن تقلب را به عنوان اسم رمز شورش یاد می‌کنم به این دلیل است و به همین دلیل هم بلافاصله هنوز ساعت ۱۰ جمعه شب که [پایان] انتخابات شکل نگرفته بود و معنا پیدا نکرده بود و هنوز [نتیجه] انتخابات مطرح نشده بود و عدد و رقم قطعی مشخص نشده بود، اعلام زودهنگام جناب مهندس موسوی به عنوان رئیس جمهور ایران و حتی تبریک جناب آقای خاتمی به ایشان به عنوان رئیس‌جمهور ایران، اینها همه‌اش می‌توانست نشان بدهد که یک نوع تفاوتی در بحث تقلب وجود دارد.

بحث تقلب را که ایشان [مطرح کردند] من یک کمی آن زمان جا خوردم اولش به عنوان یک اتفاق مهم از حرف من صحبت کردند درحالی که حرف درستی بود که من بارها گفتم راجع به مسئله تقلب که تقلب واقعاً در ایران وجود نداشت. من یادم (هست) در انتخابات گذشته اگر دوستان یادشان باشد، فاصله بین جناب آقای کروبی و جناب آقای احمدی‌نژاد که حدود ۵۰۰ یا ۴۵۰ هزار (کمتر از نیم میلیون فاصله) بود اما درعین حال آقای خاتمی و وزارت کشور دولت اصلاحات هرچه تلاش کردند کلمه تقلب را برای کمتر از ۵۰۰ هزار نپذیرفته و نهایتاً آقای خاتمی به عنوان کلمه تخلف از آن یاد کردند و عنوان تقلب را در آن انتخابات با کمتر از ۵۰۰ هزار گفتند که ما تقلب را نمی‌پذیریم، من تعجب می‌کنم که واقعاً این وضع در ارتباط با ۱۱ میلیون اختلاف این دفعه مطرح می‌شود که تقلب باز هم توسط دوستان ما که باید توی این شرایط ۵۰۰ هزار رأی اختلاف را به عنوان تقلب نمی‌پذیرفتیم، ۱۱ میلیون، بحث یکی دو تا نیست ۱۱ میلیونه. من این را خدمت دوستان شهادت بدهم شاید من خودم یکی از آن اصلاح‌طلبانی بودم که حداقل هفت، هشت، ده مصاحبه داخلی خارجی کردم راجع به معنای تقلب، قبل از انتخابات. خیلی از دوستان دیگرمان که چه در بازداشت هستند و در این جلسه حضور دارند، یا نیستند بیرون بودند و بازداشت نشدند تقریباً همه ما این‌طور فکر کرده بودیم که تقلب بین یک تا دو میلیون در ایران امکان وجود دارد یعنی در بدترین صورت ما همیشه می‌گفتیم که تقلب بین یک تا دو میلیون وجود دارد و اگر از این یک یا دو میلیون تقلب ما بتوانیم گذر بکنیم قطعاً کاندیدای پیروز، کاندیدای اصلاح‌طلب هست، به خاطر اینکه آرای آقای احمدی‌نژاد محدود هست و مشخص هست هرچه از این آرای دیگران اضافه بشود به سبد اصلاح‌طلبان ریخته خواهد شد و آنچه عملاً دیدیم که نشد شاید علتش این بود که (من این را داخل پرانتز بگویم) واقعاً ما اصلاح‌طلبان خیلی از جاها صداهایی را که باید می‌شنیدیم نمی‌شنیدیم و یا صداهایی را که باید می‌شنیدیم صداهای همه آنهایی نبود که بودند.

بعضی از صداهای بلند را می‌شنیدیم صداهایی که در خیابان بوق داشتند، حرف داشتند، صداهای جامعه متوسط شهری به بالا را خوب می‌شنیدیم اما صداهای عمومی را نمی‌شنیدیم ولی در انتخابات این مسئله وجود نداشت یعنی آن کسی که در خیابان بوق می‌زد در خیابان می‌ایستاد خیابان‌های شهر را، بالای شهر را، در تهران اشغال می‌کرد رأیش به همان اندازه مطرح بود و قابل قبول بود که یک مقنی در کرمان درحال کندن چاه یا یک نفر در شالیزارهای شمال درحال کاشتن برنج بود.

موسوی توهم بزرگی پیدا کرده بود

ما این توهم را معتقدیم توهم بزرگی بود که آقای مهندس موسوی پیدا کردند در مرحله اول به خاطر اینکه احساس کردند که این تقلب به میزان ۱۱ میلیون رأی افراد امکان‌پذیر است. آن جمله‌ای را که از قول شخصی در جلسه مجمع روحانیون مبارز من خواندم در آن جلسه واقعاً این جمله قابل توجه بود، در آن جلسه ما مطرح شد که یکی از اعضای مجمع روحانیون مبارز بحث این را مطرح فرمودند که ما ظرفیت آن‌قدر بالایی داریم که مقام معظم رهبری به آقای مهندس موسوی روز قبلش فرموده بودند که مدارکشان را بروید تحویل بدهید، وقتی گفتند که مدرکشان را تحویل بدهید، گفتند: ما ظرفیت بسیار بالایی از تخلفات را جمع‌آوری کردیم، وقتی آن تخلفات بسیار بالا را مطرح کردند یکی از دوستان ما که قبلاً وزیر کشور بود ایشان گفتند که اگر تمام اینها مورد پذیرش شورای نگهبان قرار بگیرد مثلاً چیزی حدود هفتصدهزار هشتصدهزار نفر رأی خواهد بود و این با تقلب سقفی ۱۱ میلیونی که اتفاق افتاده بود که من نمی‌دانم چرا این اتفاق را نادیده گرفتیم که یکی از توهماتی بود که من این را شاید اولین بار دو ماه سه ماه قبل از اینکه آقای موسوی، با عرض معذرت از ایشان با اینکه برای ایشان احترام قائل هستم، من دو سه ماه قبل از آن در یکی از مصاحبه‌هایم گفته بودم که آقای مهندس موسوی را به یک هندوانه سربسته‌ای تشبیه کرده بودم که معلوم نیست که اگر این هندوانه سرباز بشود معلوم نیست چه اتفاقی می‌افتد. یکی‌اش به خاطر این توهماتی بود که در ذهن ایشان من احساس می‌کردم.

مسئله دوم توهم دیگری که وجود داشت این ظرفیت‌هایی بود که آقای موسوی گمان می‌کردند که ظرفیت‌ها، ظرفیت‌های جدی حمایت از ایشان است درحالی که این ظرفیت‌ها، ظرفیت‌هایی بود که برای